



پژوهشی در فرهنگ حیا /
عباس پسنجیده / قم:
دارالحدیث / چ اول ۱۳۸۳ /
۳۸۸ص.

تحقیق درباره‌ی مفاهیم و موضوعات دینی مخصوصاً در دو دهه‌ی اخیر سرعت بسیار زیادی یافته است. ملاحظه‌ی اجمالی آمار نشریات و کتب و منابع منتشر شده، علاوه بر اثبات این نکته، زمینه‌های گرایش به مسایل مذهبی را به جستجوگر نشان می‌دهد. مرکز

دارالحدیث از مؤسسات بنیادی و با تجربه‌ای است که با هدف آشنا کردن مسلمانان با چهره‌ی حدیثی اسلام همت خود را به حدیث پژوهی و موضوعات حدیثی اختصاص داده است. موسوعه‌ی گرانقدر میزان الحکمة که تبویب موضوعی استاندارد و تخصصی از معارف اسلام براساس آیات و احادیث معتبر است یکی از آثار این مؤسسه است.

در هر اثر علمی، جمع‌آوری اطلاعات، نظریه و تئوری و ادبیات و طبقه‌بندی مباحث، شاکله‌ی اصلی آن را تشکیل می‌دهد که در اثر حاضر این سه ویژگی با بالاترین درجه از اتقان رعایت شده است. این اثر در واقع یک نشر ممتاز دینی و مذهبی است که همه‌ی امتیازات یک نشر علمی و مذهبی را در خود جمع کرده است.

«حیا» یک مفهوم عمیق دینی و براساس لسان احادیث، لباس و پوشش اسلام

است. اما در این نوشتار ضمن تحلیل مباحث و موضوعات کتاب، ملاحظات را هم می‌نگاریم.

این پژوهش با این پیش فرض فراهم آمده که احادیث و متون دینی منطبق بر واقعیت‌های روان‌شناختی است و لذا برای تأمین سلامت روان، مطمئن‌ترین راه، استمداد از متون دینی و هدایت جویی از آنها است (ص ۶). در این تحقیق که توسط دکتر محمود گلزاری (روان‌شناس بالینی) و عباس پسندیده انجام شده، نخست، همه‌ی متون اختصاصی حیا و متون مرتبط با آن شناسایی و پس از جمع‌آوری و شناخت ریز موضوعات، تحلیل‌های روان‌شناختی آن صورت گرفته است. از این تحقیق، آزمون ۲۰۰ ماده‌ای حیا توسط دکتر گلزاری در رساله‌ی دکتری ایشان منعکس شده و تدوین حاضر صورت عمومی و عام پسند حیا است که برای پژوهشگران هم راه‌گشا است.

چکیده‌ی کتاب:

این مجموعه در چهار بخش تنظیم شده است: بخش اول به طرح کلیات بحث اختصاص دارد؛ مفهوم حیا، ارکان حیا، اقسام حیا و فطرت حیا و... بخش دوم، دارای ۷ فصل است. قلمرو حیا، خلوت، گمنامی در جمع و تأثیر آن در حیا، حیا در جامعه و خانواده، نقش حیا در مدیریت، حیا و رسانه و حیا در معماری از مباحث این بخش است. بخش سوم به کم‌رویی و بخش چهارم به بی‌حیایی اختصاص یافته است.

نویسنده ابتدا حیا را از منظر ادیبان، معلمان اخلاق و آیات و روایات، مفهوم‌شناسی نموده است. حیا انقباض یا انکسار نفس در مواجهه با فعل قبیح است؛ این تعریف از طرف لغویان و اخلاقیون ارایه شده، اما با پژوهش در روایات، ما با حقایق دیگری در این زمینه آشنا می‌شویم. از دیدگاه حدیث، فصل مقوم حیا از دیگر بازدارنده‌ها عنصر نظارت است؛ یعنی آنچه حیا را بر می‌انگیزد حضور و

نظارت ناظر است (ص ۲۷). نویسنده بعداً به تفصیل درباره‌ی این ناظران بحث می‌کند. از طرفی، حیا با ترس هم مرتبط و وابسته است، این دو، مهارکننده و نظم‌دهنده در روان آدمی هستند، اما محور حیا عنصر نظارت و محور خوف عنصر قدرت است. به هر حال، ترسی که در حیا هست، ترس از بی‌آبرو شدن نزد ناظر است و نه ترسی که منشأ آن جبن و زبونی است.

در تبیین ماهیت حیا، ارکان اصلی تشکیل‌دهنده‌ی حیا، یعنی: ۱- مهارکردن نفس؛ ۲- فعل قبیح؛ ۳- حضور و نظارت؛ ۴- شخص حیاکننده، بررسی و تعریف شده‌اند. مهارکننده‌ی نفس و مدیریت آن از اساسی‌ترین مفاهیم اخلاقی و مورد توجه روان‌شناختی است. نویسنده در این جا رابطه‌ی حیا و تقوا را که هر دو از عوامل کنترل‌کننده هستند بررسی می‌کند. حیا علاوه بر این که بازدارنده است و ادارنده هم هست. «الحیاء سبب الی کل جمیل»؛ حیا به کارهای نیک و زیبایی‌ها دعوت می‌کند. از سوی دیگر، حیا مثل برخی صفات، مانند عفت که مختص قلمرو شهوت است، یا کظم غیظ که مختص قلمرو خشم است نیست، بلکه قلمروی عام دارد.

نویسنده در تبیین ماهیت فعل قبیح (رکن دوم حیا) مباحثی مانند ملاک ناهنجاری کارها، قبیح شرعی و عرفی، ثبات و تغییر در ناهنجاری‌ها را مطرح نموده و در ذیل آن از فطری بودن یا فرهنگی بودن حیا بحث کرده است. آیا حیا خصلتی تمدنی و جغرافیایی یا فرهنگی دارد یا ریشه در روان و فطرت انسان دارد؟ استدلال‌هایی که در فطری بودن حیا شده قانع‌کننده نیست. با این که تحلیل و پیگیری بحث عالمانه است، اما در این جا فقط با رد دلایل فرهنگی بودن حیا فطری بودن آن اثبات شده است. مناسب بود از مباحث روان‌شناسی و مکاتب مختلف آن مدد گرفته می‌شد و بحثی در خور برای تبیین این موضوع طرح می‌گردید.

مسأله‌ی فطرت و فطریات یکی از مباحث نوپدید دینی است که در دهه‌های سی و چهل شمسی توسط اندیشمندانی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری طرح و پرورانه شد و بعدها به بسیاری از مسایل دینی سرایت کرد. پژوهشگرانی با دقت و یا

عدم دقت، مصداق‌های فراوانی از فطریات را ذکر کرده و معمولاً برای بدیهی جلوه دادن هر موضوع، فطریت آن را اثبات نموده‌اند؛ حتی درباره‌ی موضوع پر اختلافی مثل امامت، ادعای فطری بودن شده، چه رسد به مسایل فرهنگی مانند حجاب، پرهیز از زنا و...»

به نظر می‌رسد فطرت جز درباره‌ی خداشناسی در جای دیگری کاربرد ندارد؛ حداقل مستنبط از آیات قرآن این است، و بیشتر از آن فقط به خاطر تقدس و منزلت فطرت است که برای دیگر موضوعات هزینه می‌شود.

بحث بعدی، موضوعی عمیق و کارشناسانه درباره‌ی نظارت، درک حضور ناظران و انواع ناظران (مردم، خود نفس، فرشتگان، حجت‌های الهی، خدا) است. به اعتقاد نویسنده، تنوع نظارت‌ها، برانگیختگی حیا را افزایش می‌دهد. بحث انواع ناظران در مبحث قلمرو حیا و خلوت هم از منظری متفاوت مطرح شده که البته می‌شد آنها را به هم ارجاع داد و از تکرار آن جلوگیری نمود. در این بحث‌ها، به تناسب، از روایات معصومان علیهم‌السلام با دقت و تیزبینی استفاده‌های صحیحی صورت گرفته، گرچه شایسته بود مبحث حجت‌های الهی، مخصوصاً بحث از حضور حضرت مهدی «عج» و عرضه‌ی اعمال به خدمت ایشان، مطرح می‌شد. این بحث در اندیشه‌ی اخلاقی شیعه از جایگاه والایی برخوردار است و برخلاف دیگر نحلّه‌ها، حیا را در حالی بسیار ظریف و عارفانه قرار داده است. مطالعه‌ی سیره‌ی بسیاری از شخصیت‌های اخلاقی شیعه، جایگاه درک حضور حضرت حجت را در افزایش حیا در شخصیت و منش آنها و در مرحله‌ی بعد طیّ مقامات عرفانی با داشتن این خصوصیت نشان می‌دهد.

نویسنده سپس حیا را به چهار قسم تقسیم کرده است. ملاک تقسیم بر اساس کاربرد حیا (آیا حیا پیش از عمل رخ داده یا پس از عمل)، تقسیم بر اساس انواع ناظرها و در نهایت بر اساس این که قبیح از سنخ فکر است یا فعل می‌باشد.

در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «الحیاء علی وجهین، فمنه ضعف و منه قوه و

اسلام و ایمان». به نظر راقم این سطور، بهترین تقسیم، تقسیم‌بندی این حدیث است. حیا از آن جا که یک حالت روحی روانی است، یا از روی ضعف صورت می‌گیرد - که عنوان خجالت یا کم‌رویی به آن صدق می‌کند - و یا از روی توانایی روحی، مثل حیای معصومان و انسان‌های بااراده - که در این صورت حیای مثبت یا شرم بر آن اطلاق می‌گردد - بنابراین، این که حیا‌کننده در هنگام حیا ناظر را در ارتکاب عمل خود حاضر دانسته یا حیای او در یک مقوله‌ی فکری یا فعل و عمل خارجی صورت گرفته، فقط تبیین و تفهیم بهتری از حیا را به ما نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، حیا از مقوله‌ی کیفیت است و فقط شدت و ضعف می‌پذیرد. ما می‌توانیم ضعیف آن را منفی و شدید آن را مثبت بدانیم، اما این ارزش‌گزاری بعد از شناخت ماهیت حیا است. (به هر صورت، به نظر من، تقسیم‌بندی‌های این فصل برای حیا جایگاه علمی مناسبی ندارد و با روایات نیز همخوان نیست. جالب این که نویسنده روایات را معمولاً تأویل کرده و آنها را بر اساس ملاک‌های پیش گفته معنا کرده است.

فصل پنجم (ص ۹۰) درباره‌ی مراتب حیا، تکرار بحث انواع ناظران است اما از منظری متفاوت. مراحل حیا در این جا با مراحل رشد متناظر دانسته شده و به عبارت دیگر حیا را از جهت منشأ تحول و رشد روحی انسان در نظر گرفته است. مباحث حیا و جنسیت، ارتباط حیا و خلوت، حیا و گمنامی، حیا و پوشش، حیا و مدیریت، حیا و رسانه، از برجسته‌ترین مسایل مطرح شده‌ی کتاب حاضر هستند.

نکاتی درباره‌ی کتاب:

در پایان با این که نکات فراوانی در طرح مباحث این کتاب ناگفته باقی ماند، اما به چند نکته‌ی مختصر اکتفا می‌کنیم:

۱- طرح مبحث حیا با در دست داشتن انبوهی از احادیث معتبر و گرانها، تسلط بر مباحث روان‌شناسی، استفاده از اصطلاحات علمی و روان‌شناختی، ویراستاری بسیار عالمانه و زیبایی کتاب، همراه عبارات سلیس و قلم متبحر نویسنده، اثری بدیع،

عمیق و پژوهشی و شایسته‌ی مطالعه و تأمل برای ما پدید آورده است.

۲- طراحی مباحث و مهندسی کتاب و بهره‌گیری از نظریات جامعه‌شناسان در مبحث «حیا در جامعه»، دید عمیق نویسنده را نشان داده است.

۳- در کنار این نکات، عدم استفاده از آیات ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به این تحقیق زده است. این اثر اگر به سیاق میزان الحکمه، ابتدا از آیات استفاده می‌کرد، می‌توانست با تحلیل داستان‌ها، سیره‌ی پیامبران و آیاتی مانند: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» زوایای پنهان و نامکشوف مبحث حیا را روشن‌تر کند.

۴- عدم استفاده از آرای روان‌شناسان - با توجه به این که این کتاب و موضوع آن ماهیتاً روان‌شناختی است - ضعف دیگر این کتاب است. نویسنده، همان‌طور که در مبحث حیا و جامعه از جامعه‌شناسان مدد گرفته، باید از منابع معتبر روان‌شناسی کمک می‌گرفت.

۵- با این که حیطه‌های مختلفی، مانند خانواده، جامعه و رسانه و مدیریت و معماری در نسبت با حیا مورد پژوهش واقع شده، اما حیطه‌ای مثل آموزش و پرورش در این میان مغفول مانده است. بدون شک، طرح حیا در نظام آموزش و متون تعلیم و تربیت از ضروریات جامعه‌ی حیا‌دار است و برای گسترش فرهنگ حیا بهترین راه، رفتن از مسیر آموزش و پرورش است. بُعد دیگر، حقوق و جرم‌شناسی است که لازم بود نویسنده به آن توجه کند. مطرح کردن این بحث در علم حقوق، با این که حقوق، علمی کاربردی است، اما تأکید بیشتر بر این بحث ارتباط اخلاق و این علم را روشن می‌ساخت. به نظر می‌رسد دوری بسیاری از علوم تجربی و انسانی و اجتماعی از دامنه‌ی علم اخلاق مخاطرات دامنه‌داری را در این علوم پایدار ساخته که در جایی دیگر باید در حل آن سخن گفت و بحث نمود.

۶- یکی دیگر از ضروریات این کتاب، پژوهش در تبیین مصداق‌های حیا یا متعلقات آن در آیات و روایات و فرهنگ عامه است. ما با خواندن این کتاب نمی‌دانیم از چه چیز باید حیا کنیم. آیا غیر از محرّمات قطعی، حیا در مسایل عرفی

مستحسن است؟ تبیین مصداق‌های حیای مثبت، به ویژه در جامعه‌ی ایرانی، کتاب را اثری کاربردی و نه صرفاً نظری و تئوریک می‌ساخت. همین طور بحث از حیا در مقاطع سنی که یک بحث فنی و مفید است، یا مباحثی از قبیل تعلیم حیا به کودکان و نوجوانان، حیا برای زنان، حیا برای افراد مسن، حیا در جامعه‌ی ورزشی.

علی احمدی میرآقا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی